



پنج شنبه 3 بهمن 1398 - 27 جمادی الاول 1441 - 23 آبان 2020

صدور نامه روحانیون مبارز ایران خطاب به کمیسیون حقوق بشر (1356 ش)

صدور نامه روحانیون مبارز ایران خطاب به کمیسیون حقوق بشر (1356 ش) در حالی که دو هفته از سرکوب قیام نوزدهم دی ماه 1356 در قم گذشته بود و رژیم پهلوی قصد داشت با ایجاد اختناق، از گسترش نهضت جلوگیری نماید، جمعی از روحانیون مبارز، نامه‌ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال کردند و از اوضاع حاکم بر کشور، به شدت انتقاد نمودند. در بخشی از این نامه با اشاره به شرایط جاری در ایران و دیدار کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا با شاه آمده است: "در شرایطی که ملل مستضعف جهان، یکی پس از دیگری، آزادی و استقلال خویش را باز می‌یابند و بندها و زنجیرهای اسارت و بردگی را یکی پس از دیگری پاره می‌کنند، حقوق ملت شریف ایران، پایمال اغراض شوم دودمان ننگین پهلوی شده و هر روز، زنجیر اسارت و بردگی را بر دست و پای ملت ما محکم‌تر ساخته‌اند. با کمال تأسف و تأثر، کارتر، رئیس جمهور آمریکا، که خود را مرد صلح می‌داند و از انسان دوستی سخن می‌گوید، 35 میلیون جمعیت با شرف و مسلمانان را فدای شاه خائن و مزدور و نوکر بی قید و شرط خود می‌کند." در این نامه، سپس به دستگیری روحانیون مبارز توسط رژیم اشاره شد و ضمن گلایه از اسارت آنان در زندان، عنوان گردید: "همچنین رهبر عالی‌قدر مسلمانان، آیت الله العظمی خمینی، متجاوز از چهارده سال است که به جرم اعتراض به احیای کاپیتولاسیون در ایران و دفاع از حقوق ملت و قوانین حقّه اسلامی، دور از وطن و در تبعید به سر می‌برند و کمیسیون حقوق بشر، کوچک‌ترین اقدامی در این زمینه نکرده است. [همچنین] اخیراً عده‌ای از روحانیون مبارز از جمله آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی و سید علی خامنه‌ای و... را به جرم پشتیبانی از قائد بزرگ اسلام و دفاع از حقوق ملت، به نقاط بد آب و هوا تبعید کرده‌اند. آیا کمیسیون حقوق بشر از آن چه در ایران می‌گذرد، آگاه است؟ و آیا در برابر همه آدم‌گشایی‌ها و بیدادگری‌ها، عکس‌العملی نشان داده است." روحانیان مبارز در پایان نامه خود، خواست‌های ملت ایران را در چهارده بند بیان کردند، از جمله: بازگشت سریع امام خمینی، قائد بزرگ اسلام؛ آزادی دانشجویانی که در جریان‌های مختلف تهران و شهرستان‌ها دستگیر شده‌اند؛ آزادی زندانیان سیاسی؛ بازگشت کلیه تبعیدشدگان و آزادی اجتماعات و بیان قلم و رفع منع از منابر و عاظ محترم.

تشکیلات کمیته استقبال از حضرت امام خمینی (1357 ش)، صبرانه منتظر ورود حضرت امام خمینی به ایران بودند، تدارکات لازم را جهت بزرگترین استقبال تاریخ از رهبر انقلاب اسلامی فراهم آوردند. به همین مناسبت ستادی مرکب از روحانیون و نمایندگان اقشار مختلف مردم تهران تشکیل شد تا مراسم استقبال را هرچه باشکوه‌تر برگزار کند. در این ستاد پنجاه هزار جوان عاشق امام مسؤولیت حفاظت از جان امام و انتظامات مراسم را به عهده گرفتند. بسیاری از مردم نیز از شهرها و روستاهای مختلف ایران به تهران سرازیر شدند تا در مراسم استقبال شرکت جویند. از سوی دیگر، پس از تظاهرات گسترده مردم، چهارهزار افسر نیروی هوایی نیز به پشتیبانی از مردم مبارز ایران، دست به اعتصاب غذا زدند و خواستار

اخراج مستشاران آمریکایی از ایران شدند. خلوص "شاه اسماعیل دوم" در قهر (984 ق)، شاه طهماسب صفوی یازده پسر داشت که بزرگ‌ترین آن‌ها، موسوم به محمد خدابنده بود. وی در هنگام مرگ پدر 45 سال داشت و هر چند یکسال بعد به تخت سلطنت نشست، اما در هنگام مرگ پدر به جهت ضعفی که در چشم داشت، از پادشاهی استعفا کرد. اما اسماعیل میرزا که مورد خشم پدر بود و در زندان به سر می‌برد توسط هواخواهانش رهایی یافت و بر تخت قدرت تکیه زد. وی تمام برادران خود را یکی پس از دیگری به قتل رساند و هر که را گمان می‌کرد، در فکر پادشاهی باشد، از سر راه برداشت. شاه اسماعیل دوم مردی عیاش و خونخوار و سفیه بود و چون در جوانی در هرات به دست معلمی سنی مذهب تربیت یافته بود، بر آن شد که چون به شاهی برسد، مذهب شیعه را که توسط پدرانش ترویج شده بود، براندازد. او همین کار را هم کرد و خطبه و سکه را به نام خلفای راشدین جاری ساخت.

در گذشت "عبدالکرم بن احمد حلبی" محدث مسلمان (1178 ق) واقع در سوریه‌ای امروزی - بود. حلبی، عبدالکریم ابن احمد حلبی از مشهورترین محدثان عصر خود در شهر حلب - واقع در سوریه‌ای امروزی - بود. حلبی، فقه، اصول فقه، تفسیر، حدیث و دیگر علوم متداول زمانش را نزد پدر و دیگر بزرگان آن عصر فرا گرفت. او پس از چندی نابینا شد، اما امید و روحیه‌ای خود را از دست نداد و پیش از پیش به علم حدیث، اشتغال یافت. از حلبی آثار و تالیفات متعددی بر جای مانده است که از بین آن‌ها می‌توان به کتاب "ادعیة السقر" اشاره کرد.

درگذشت پیر بوردیو، جامعه‌شناس و مردم‌شناس برجسته فرانسوی (2002 م) پیر بوردیو در اول اوت 1930م در دنگین که شهرک کوچکی در منطقه بی‌آرن از بخش باسه-پیرنه در جنوب شرقی فرانسه است، به دنیا آمد. پدر او یک کارمند دولتی بود و محل زندگی آن‌ها ناحیه ای روستایی و نزدیک به دهات بود. بوردیو در دهه 1950م در اکول نرمال سوپریور در پاریس به تحصیل مشغول شد. بنا به گفته خودش با این که با درجه عالی در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد، برای اعتراض به ماهیت خشک، بی‌روح و اقتدارطلبانه آموزش‌هایی که ارائه می‌شد، از نوشتن رساله امتناع کرد. وی در 1956م به

خدمت نظام فراخوانده شد و دو سال در الجزایر در خدمت ارتش فرانسه بود. بوردیو، بعدها و در سال ۱۹۸۵م، کتاب «جامعه‌شناسی الجزایر» را به چاپ رساند و دو سال نیز در دانشگاه الجزایر به تدریس پرداخت. او پس از بازگشت به فرانسه در سمینارهای کلود لوی استروس شرکت می‌جست و هم‌چنین، به عنوان دستیار با ریمون آرون همکاری می‌کرد. در سال ۱۹۶۸م «مرکز جامعه‌شناسی اروپایی» را تأسیس کرد و تا پایان عمر مدیریت آن را بر عهده داشت. در سال ۱۹۸۱م و در پی بازنشستگی ریمون آرون، کرسی او در کولژ دو فرانس به بوردیو اعطا شد. بوردیو، جامعه‌شناسی سنتی را با نظریه خود درآمیخت و همواره در پی ارتباط مفاهیم نظریه شناختی خود با تحقیق تجربی بود. وی آثار خود را که حوزه گسترده‌ای از علوم، فلسفه و نظریه ادبی تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را در بر می‌گرفت، «تئوری عمل» می‌خواند. از جمله کتاب‌ها و مقالات مهم بوردیو می‌توان به «تمایز»، «سلطه مذکر»، «خانه قبایلی یا جهان واژگون»، «تجرد و موقعیت روستایی» اشاره کرد. «تمایز» کتابی است که در آن بوردیو کوشیده تا احکام زیباشناسی را با موقعیت‌های موجود در فضای اجتماعی مرتبط سازد و از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌آید. پیر بوردیو، جامعه‌شناس و مردم‌شناس مشهور، سرانجام در تاریخ بیست و سوم ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی در سن هفتاد و دو سالگی درگذشت. وی خالق مفاهیمی هم‌چون سرمایه فرهنگی و عادت‌واره می‌باشد. از بوردیو، «عکاسی: هنر میان مایه»، «نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی»، «درسی درباره درس»، «درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم» و «تمایز» به فارسی ترجمه شده‌اند.